

# به سبیدی «آق کند»

مهدی ولیزاده

فرض کنید زمین یخ‌زده و صعب‌العبوری دارید. راه رفتن در آن سخت است، خاک حاصل‌خیز زیر یخ سفت و برف سرد و سنگین پنهان‌شده و شکستن یخ و زُفتن برف و هموار کردن زمین سخت است. اگر عاشق زمینتان نباشید ره‌ایش می‌کنید، به کس دیگری می‌سپاریدش، واگذارش می‌کنید و می‌روید و پشت سرتان را هم نگاه نمی‌کنید. هر آدم عاقلی همین کار را می‌کند، ولی چه کسی گفته عاشق‌ها عاقل‌اند؟!

معلم‌ها عاشق‌اند. باید باشند، وگرنه به ما و بچه‌هایمان و آینده‌شان امیدی نیست. همیشه این عشق بوده که از دل بی‌امکاناتی هم محصول تولید کرده است، از دل نبردهای نابرابر انسان را پیروز بیرون کشیده و از دل خاک یخ‌زده برکت و زندگی را سبز کرده است. فهمیدن زبان بچه‌ها هم کم از زمین سفت و نبرد نابرابر ندارد، عشق می‌خواهد و سخت است. حتی می‌توان عنوان چالش را به آن داد. عده‌ای ممکن است با من هم‌نظر باشند که «بعد از کار در معدن، سخت‌ترین کار دنیا همین فهمیدن زبان کودکِ دانش‌آموز است!» و معلم تا عاشق نباشد تن به این چالش نمی‌دهد. شرط می‌بندم حوصله‌تان تا به این جای متن سر رفته، آمده‌اید دنبال معرفی فیلم و به جای آن یک مجموعه شعر تکراری را می‌خوانید. خوبی شعرها این است که راست‌اند. گرچه حقیقی نیستند و اطرافمان کم آدم‌ها و اتفاقاتی را می‌بینیم که به همان خوبی و درستی شعرها باشند. معلم توی فیلم به اندازه‌ی ما واقعی است و به اندازه‌ی شعرها درست. روایت داستان و اتفاق فیلم این قدر ساده‌اند که راحت می‌شود قبولشان کرد. قبول کردن یعنی اینکه در خیالتان بتوانید خودتان را در شرایط شخصیت اصلی تصور کنید و فیلم «آق کند» توانسته است کاری کند که شما پرت شوید در جلد آن معلم جوان تازه‌وارد. فیلم شاید ساده باشد ولی از دل همین سادگی، از دل همین داستان بی‌الایش، ناخودآگاهتان نقب می‌زند به همان شعرهایی که هزار بار شنیده‌اید و تا امروز یک موردش را ندیده‌اید و وقتی فیلم تمام می‌شود، می‌گویید: «|| بالاخره یکی پیدا شد، پس این حرفا واقعیه!»

زمین یخ‌زده را به عینه می‌بینید، معلمی را که سعی می‌کند تسلیم شرایط نامساعد نشود می‌بینید، تفاوت زبان معلم و دانش‌آموزانش را می‌بینید و یک لحظه هم به واقعی بودنشان شک نمی‌کنید. چون فیلم نمی‌خواهد شعر بدهد، نمی‌خواهد با استعاره‌ی اضافی مفهوم والایی را به‌زور منتقل کند، زمین یخ‌زده و معلم لجباز و تفاوت زبان استعاره نیستند، صرفاً روایت یک واقعیت شایع در مدارس چندپایه‌اند. فیلم روایتگر اتفاقی واقعی در اکثر مدارس روستایی و مشکلات معلمانشان است. فیلم خوب «آق کند» ساده است و کوتاه، در حدی که حتی می‌توانید در فاصله‌ی زنگ تفریح آن را در تلفن همراهتان ببینید و کمی هم وقت اضافی بیاورید، وقت اضافه‌ای که قطعاً در آن به این فکر خواهید کرد: «یا به قدر کافی معلم عاشقی هستم؟!»

